

انقلاب اسلامی ایران و تحولات ژئوپلیتیک شیعیان زیدی در یمن: ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۵

دکتر علی رضایی^۱

محمد علی رحیمی نژاد^۲

اشرف بشارتی فرد^۳

چکیده

انقلاب اسلامی ایران یکی از بزرگ‌ترین رخداد‌های اجتماعی در قرن بیستم است. در جهانی که تغییر و تحولات مستمر، مرزهای طبیعی جوامع را درنوردیده و سرنوشت ملت‌ها را به هم پیوند زده، پدیده‌ای با این گستردگی و عظمت نه تنها نهادها و نظام‌های سیاسی یک ملت و یک قوم را در هم ریخته و سرنوشت تاریخی آنان را در مسیر تغییرات بنیادین قرار داده است، بلکه دامنه‌های آن بسی فراتر از یک کشور رفته و ملت‌هایی را در سمت و سوی تازه و دنیایی نو به جریان انداخته است. از این رو در این نوشتار به این پرسش پاسخ داده شده که «انقلاب اسلامی ایران چه تأثیری بر تحولات ژئوپلیتیک شیعی در یمن: ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۵ داشته است؟» فرضیه‌ای که در پاسخ ارائه می‌شود این است که آموزه‌های تشیع و تفکرات انقلابی امام خمینی (ره) که منجر به پیروزی انقلاب اسلامی در ایران شدند نقش مؤثری در گسترش تشیع و احیاء شیعیان زیدی و تغییر ژئوپلیتیک شیعه در یمن ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۵ داشته است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران روحیه انقلابی در بین ملت‌ها تکامل یافت و در قالب آرمان‌های انقلاب اسلامی به دیگر کشورها نیز سرایت کرد و در اثر این تحول موجی از خودآگاهی و بیداری اسلامی، کشورهای اسلامی به خصوص جوامع شیعی را فراگرفت.

واژه‌گان کلیدی: انقلاب اسلامی ایران، شیعیان زیدی، یمن.

۱- دانش آموخته دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. alirezaeelak@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
ali.rahimi0872@gmail.com

۳- کارشناس ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور تهران غرب، تهران، ایران.
besharatiashraf97@gmail.com

مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و در شرایطی که ایالات متحده آمریکا از یک سو و اتحاد جماهیر شوروی از سوی دیگر به همراه متحدانشان نظام دوقطبی را در جهان به وجود آورده بودند شوک بزرگی به جامعه جهانی وارد کرد. انقلاب اسلامی ایران یکی از بزرگ‌ترین رخداد‌های اجتماعی در قرن بیستم است. در جهانی که تغییر و تحولات مستمر، مرزهای طبیعی جوامع را درنوردیده و سرنوشت ملت‌ها را به هم پیوند زده، پدیده‌ای با این گستردگی و عظمت نه تنها نهادها و نظام‌های سیاسی یک ملت و یک قوم را در هم ریخته و سرنوشت تاریخی آنان را در مسیر تغییرات بنیادین قرار داده است، بلکه دامنه‌های آن بسی فراتر از یک کشور رفته و ملت‌هایی را در سمت و سوی تازه و دنیایی نو به جریان انداخته است. تمامی تئوری‌های سیاسی و سیاست‌گذاری‌های شرق و غرب و حتی نهضت‌ها و گروه‌ها و احزاب سیاسی موجود در کل منطقه‌ی آسیا و خاورمیانه را به چالشی جدید فراخوانده و این تأثیرات حتی تا قلب اروپا و آمریکا پیش رفته است (شیفته رأفت، ۱۳۹۰: ۵). دلیل انتخاب موضوع انقلاب اسلامی ایران و تأثیرات آن بر تحولات ژئوپلیتیک شیعه در یمن و دلیل انجام پژوهش در مورد آن این است که انقلاب اسلامی ایران توانست با اثبات کارآمدی اسلام در اداره جوامع نقش بسزایی در بازگشت اسلام به عرصه سیاست را بر عهده گیرد. به‌خصوص در ژئوپلیتیک شیعه در یمن و شیوه الگوپذیری این جنبش از انقلاب اسلامی ایران و مطالعه خواسته‌ها و اندیشه‌های آنان یکی از اهداف این پژوهش است و اهمیت دیگر این پژوهش برای جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه می‌باشد و می‌تواند نقش بسزایی در تغییر معاملات آینده منطقه را به همراه داشته باشد و ربط دادن به نوآوری با توجه به اینکه پژوهش ما جدید و در مورد آن پژوهشی انجام نگرفته است؛ لذا اهمیت دارد که در مورد آن پژوهش انجام داده شود. هدف این نوشتار نیز شناخت نقاط قوت انقلاب اسلامی و چگونگی تأثیربخشی این انقلاب بر تحولات کشور یمن می‌باشد.

از پژوهش‌های مرتبط با موضوع این تحقیق که قبلاً انجام شده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

(محمدی ۱۳۸۷) در کتاب بازتاب جهانی انقلاب اسلامی به ویژگی‌های انقلاب اسلامی و به نظریه‌های مختلفی در مورد صدور انقلاب اسلامی می‌پردازد. در این کتاب به صورت جداگانه به بررسی بازتاب انقلاب اسلامی بر نظام بین‌الملل پرداخته و تأثیر و بازتاب انقلاب اسلامی را در کشورهای حوزه خلیج فارس، شامات، شمال آفریقا، آفریقای سیاه، آسیای مرکزی، قفقاز و ترکیه، شبه‌قاره هند و خاور دور را مورد بررسی قرار می‌دهد و نویسنده در این کتاب با بررسی آثار انقلاب اسلامی در سطح بین‌الملل به تفاوت انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌های بزرگ جهان پرداخته و آن را به‌عنوان یک پدیده سیاسی، اجتماعی و فرهنگی منحصر به فرد معرفی می‌کند و نویسنده در این کتاب به بررسی روابط ایران و بحرین و تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر مردم و حرکت‌های مردمی بحرین پرداخته و همچنین تاریخچه روابط ایران و لبنان و نقش احزاب و جنبش‌ها و پیدایش ظهور حزب الله لبنان در صحنه سیاسی - نظامی لبنان و تأثیر بازتاب انقلاب اسلامی را بر فلسطین و مبارزات مردمی فلسطین و زمینه‌های شکل‌گیری و تأسیس جنبش جهاد اسلامی از جمله جنبش حماس و دیدگاه‌ها و مواضع رهبران جنبش جهاد اسلامی را نسبت به انقلاب اسلامی ایران که سرآغاز یک تحول انقلابی فراگیر است را مورد بحث و بررسی قرار داده است و همچنین در این کتاب بازتاب عمومی انقلاب اسلامی بر روی دولت‌ها و ملت‌ها و در سطح بین‌الملل به‌عنوان احیای اسلام و عاملی در جهت فروپاشی نظام دوقطبی و خیزش جهانی مستضعفین علیه مستکبرین و طرح اسلام سیاسی به‌عنوان یک گفتمان و مطرح کردن جهان اسلام به‌عنوان یک قدرت جهانی و مطرح کردن رهبران انقلاب اسلامی به‌عنوان الگوهای جدید رهبری و بیداری و احیای اسلامی و تقویت روحیه ضد استکبار و ضد سلطه بیگانه که اثرات خود را بر همه جامعه اسلامی بر جای گذاشته است و این‌ها از جمله موضوعاتی هستند که در این کتاب مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته شده است.

(علائی ۱۳۹۱) در کتاب بیداری اسلامی و تحولات منطقه، به بیداری اسلامی و تحولات منطقه و بررسی موج جدید بیداری اسلامی می‌پردازد که در جهان عرب با قیام مردم تونس در اواخر سال ۲۰۱۰ آغاز شد و سپس به کشورهایی مانند مصر، لیبی، بحرین و یمن سرایت کرد و خاورمیانه و شمال آفریقا را وارد مرحله‌ای نوین از حیات سیاسی کرده است. بیداری اسلامی و تحولات جدید در جهان عرب از یک سو موجب شکل‌گیری فرآیند تغییر در کشورهای عربی در قالب الگوهای مختلف شده و از سوی دیگر در حال دگرگونی نظم و شرایط منطقه‌ای است. براین اساس علاوه بر درگیری طیفی گسترده از نیروهای سیاسی و اجتماعی و نظام‌های سیاسی عربی در این تحولات، بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های فرا منطقه‌ای مختلفی برحسب منافع و اهداف خود سعی دارند براین تحولات تأثیرگذار باشند و با توجه به اهمیت تحولات بیداری اسلامی کتاب حاضر به بررسی رویکردها و راهبردهای بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های بین‌المللی و به تحولات جدید خاورمیانه و شمال آفریقا می‌پردازد و این کتاب در پی ریشه‌ها و ابعاد مختلف این تحولات است و این کتاب به دنبال آن است که چرا جهان عرب که چندین دهه هیچ نوع تحرک اجتماعی و سیاسی در آن دیده نمی‌شد ناگهان دچار حرکتی انفجاری شد و در این کتاب به خیزش مردم یمن و روند بحران و ایستار بازیگران در یمن می‌پردازد. جمهوری عربی یمن در چند دهه اخیر از پرتنش‌ترین کشورهای خاورمیانه بوده است و مطالب دیگری که در این کتاب به آن پرداخته شده است از جمله چالش‌های فرا روی اسلام‌گرایان برای تشکیل دولت در کشورهای عربی و فقدان یک فکر مشترک و عدم اجماع دوباره نظام آینده که یکی از مسائل مهم پس از سقوط نظام‌ها و چگونگی شکل دادن به نظام جدید و ایجاد ساختارهای مناسب برای اداره درازمدت کشور است و تدوین قانون اساسی بر مبنای مکتب اسلام و نیز تضمین تداوم مشارکت مردم از سرنوشت خویش از چالش‌های اساسی است و همچنین به بروز اختلاف‌های سیاسی بین احزاب و رهبران آن‌ها می‌پردازد که پس از سقوط هر نظامی درعین‌حالی که فضایی مناسب برای ظهور انواع گروه‌های سیاسی به

وجود می‌آید اختلاف سیاسی بین گروه‌ها نیز رشد می‌کند و تعداد احزاب به افزایش مطالبات جامعه منجر می‌شود و تشکیل دولت را با چالش مواجه می‌کند و همچنین در این کتاب به اختلاف دیدگاه بین جوانان انقلابی و رهبران سالخورده مجرب می‌پردازد که در کشورهای عربی، جوانان خود را صاحبان انقلاب می‌دانند و معتقدند که توانسته‌اند بر فضای اختناق آمیز حکومت‌های استبدادی غلبه کرده و باعث کنار زدن این نوع حکومت‌ها شوند و مقامات باقیمانده از رژیم‌های سابق و تضاد منافع بازیگران و کمبود منابع مالی برای اداره این کشورها و معاهدات باقی‌مانده از رژیم‌های سابق مثل کمپ دیوید که در دوران حکومت مبارک بعضی از سران گروه‌ها مانند اخوان المسلمین به انعقاد معاهداتی مانند کمپ دیوید با رژیم صهیونیستی معترض و مردم مصر از دولت اسلام‌گرایی خود انتظار دارند تا در مورد چنین پیمان‌هایی تجدیدنظر کند. این جمله از مطالب دیگری بود که در این کتاب به آن پرداخته شده است.

(عیوضی ۱۳۹۴) در کتاب تحلیلی بر انقلاب اسلامی که شیوه‌ای جدید برای تحلیل انقلاب است تلاش دارد تا پیشینه تاریخی انقلاب اسلامی ایران و مسائل بعد از آن را در قالب چالشی میان دو الگوی شبه ترقی غرب‌گرا و تعالی اسلامی و مبانی هویت خواهی و استقلال‌طلبی انقلاب اسلامی را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد و چنین بیان می‌کند که می‌توان از الگوی «شبه ترقی غرب‌گرا» و «تعالی اسلامی» به‌عنوان دو پارادایم فکری و یا دو الگوی متمایز برای پیشرفت ایران نام برد که نگرش «شبه ترقی غرب‌گرا» تلاشی برای حرکت بر مبنای الگوبرداری از غرب و وابستگی به غرب و نفی فرهنگ خودی بود و اما «تعالی خواهی» پیشرفت را بر پایه فرهنگ و هویت خود ترسیم می‌نمود جریان شبه ترقی برای تبدیل ایران به یک کشور پیشرفته غربی، در یکصد سال گذشته تلاش بسیاری نمود اما در کنار این امر تعالی خواهی نیز از همین دوران شکل گرفت و در تداوم خویش منجر به شکل‌گیری انقلاب اسلامی در قالب نفی غرب‌زدگی گردید و با توجه به فرآیند تکاملی که به دنبال نفی غرب‌گرایی بود می‌توان ماهیت این انقلاب را استقلال‌طلبانه و هویت

خواهانه دانست و در حقیقت انقلاب اسلامی با دیگر انقلاب‌ها تفاوتی اساسی داشت و از عمده‌ترین این تفاوت‌ها می‌توان به فرهنگی و هویتی بودن این انقلاب اشاره نمود؛ بنابراین بجاست انقلاب اسلامی را از نظر هویت فرهنگی به‌عنوان زمینه وقوع این انقلاب بررسی نمود و اینکه انقلاب اسلامی هویتی بود و در پاسخ به بحران هویت رخ داده در کتاب حاضر نویسنده تلاش دارد تا با روش جدیدتر نسبت به متون پیش به تحلیل انقلاب اسلامی ایران و به تحولاتی که در دهه‌های بعد از انقلاب به وجود آمده پردازد و دستاوردهای داخلی و خارجی مانند دستاوردهای فرهنگی و سیاسی و همچنین فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران و وضعیت احزاب و جریان‌های فکری که در آستانه انقلاب اسلامی وجود داشته است را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد و به وضعیت ایران و اروپا در قرن نوزدهم پرداخته و اوضاع ایران را در قرن نوزدهم از نظر ساخت قدرت سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و جریان‌های فکری و فرهنگی به‌طور اختصار مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد.

نقطه تمایز این پژوهش بررسی موردی یکی از کشورهای منطقه و تأثیرپذیری آن از انقلاب اسلامی ایران است که در ابعاد ژئوپلیتیک و در مقطعی خاص بوده بدان پرداخته شده است. در همین راستا سؤال اصلی این نوشتار عبارت است از اینکه انقلاب اسلامی ایران چه تأثیری بر تحولات ژئوپلیتیک شیعه در یمن طی سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۵ داشته است؟ در مقابل فرضیه اصلی این نوشتار تأثیر بر مبنای تأثیرات آموزه‌های تشیع و تفکرات انقلابی امام خمینی (ره) که منجر به پیروزی انقلاب اسلامی گردید، در گسترش تشیع و احیاء شیعیان زیدی و تغییر ژئوپلیتیک شیعه در یمن طی سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۵ می‌باشد. روش پژوهش مطالعه توصیفی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای بوده است. ادبیات تحقیق، زمینه‌های فکری و عقیدتی انقلاب اسلامی، بازتاب انقلاب اسلامی بر شیعیان، سیر تحولات ژئوپلیتیک شیعیان یمن، سیر تحولات ژئوپلیتیک شیعیان یمن و نتیجه‌گیری از اجزای اصلی این نوشتار است که در ادامه مطرح گردیده است.

۱. ادبیات تحقیق:

۱-۱. **اصل دعوت و صدور انقلاب:** اصل دعوت و صدور انقلاب، یکی از اصول اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی است که حضرت امام خمینی (ره) آن را تا سطح اهداف غیرقابل تسامح نهضت دینی ایران ارتقا داده و به‌عنوان رسالت و وظیفه کارگزاران نظام اسلامی معرفی نموده‌اند: «مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم‌داری حضرت حجت (ع) است. مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده‌دارند منصرف کنند، خطر بزرگ و خیانت سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید؛ ولی این بدان معنا نیست که آن‌ها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، منصرف کند» (امام خمینی، ۱۳۵۹، ج ۲۰: ۱۱۸). ایشان می‌فرمایند: «ما به تمام جهان تجربه‌هایمان را صادر می‌کنیم و نتیجه‌ی مبارزه و دفاع با ستمگران را بدون کوچک‌ترین چشم‌داشتی، به مبارزان راه حق انتقال می‌دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه‌ها، جز شکوفه‌های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملت‌های دربند نیست. ما انقلابمان را به تمام جهانیان صادر می‌کنیم، چراکه انقلاب ما اسلامی است و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم» (سالار، ۱۳۸۲: ۱۹). حضرت امام خمینی (ره) در جای دیگر، اصل صدور انقلاب را از ملزومات و تبعات ماهیت دینی و اسلامی آن عنوان نموده و استمرار و دوام آن را مورد تأکید قرار می‌دهند: «ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم، چراکه انقلاب ما اسلامی است و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه مستکبرین هست، ما هستیم» (امام خمینی، ۱۳۵۹، ج ۱۱: ۲۶۶). صدور انقلاب که در منظومه اندیشه سیاسی حضرت امام به‌عنوان یکی از اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی عنوان می‌گردد، با آنچه بیگانگان و دشمنان انقلاب اسلامی از آن با عنوان کشورگشایی و دخالت در امور و سرنوشت سایر ممالک اسلامی یاد و تبلیغ نموده‌اند،

تفاوت جدی و آشکاری دارد؛ زیرا صدور انقلاب در اندیشه سیاسی حضرت امام نه به مفهوم دخالت در امور دیگران که به معنای ترویج و اشاعه تفکر ظلم‌ستیزی و استکبار زدایی در میان ملل مستضعف و اسلامی است. صدور انقلاب به مفهوم انتقال تجربیات ارزشمند یک نهضت دینی است که بر بنیان باورهای مکتبی امت اسلامی شکل گرفته و امت دربند و تحت اسارت اسلامی را نوید رهایی و آزادگی می‌بخشد. دقیقاً یک چنین تلقی از صدور انقلاب است که جایگاه نهضت دینی ایران و تأثیر عمیق اندیشه‌های مکتبی بنیان‌گذار این نهضت بر جنبش‌های اسلامی و نهضت‌های دینی را بازگو می‌نماید. «اینکه می‌گوییم باید انقلاب ما به همه جا صادر بشود، این معنای غلط را از آن برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشایی کنیم. ما همه کشورهای مسلمین را از خودمان می‌دانیم. همه کشورها باید در محل خودشان باشند. ما می‌خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و خودشان از ابرقدرت‌ها فاصله گرفتند و دست آن‌ها را از مخازن خودشان کوتاه کردند، این در همه ملت‌ها و در همه دولت‌ها بشود. آرزوی ما این است. معنای صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار بشوند و همه دولت‌ها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه بودنی که هستند و از اینکه همه مخازن آن‌ها دارد به باد می‌رود و خودشان به نحو فقر زندگی می‌کنند، نجات بدهد» (امام خمینی، ۱۳۵۹، ج ۱۳: ۱۲۷). بدین ترتیب، اصل دعوت و صدور انقلاب که یکی از مفروضات اساسی اندیشه سیاسی حضرت امام در روابط خارجی با دیگر کشورهای اسلامی است، ارتباط عمیقش را میان انقلاب اسلامی ایران و نهضت‌های اسلامی به وجود می‌آورد. ارتباطی که در فرایند آن، بنیان‌گذار نهضت دینی ایران تلاش دارد تا تجربیات عینی و مبارزاتی خویش را همراه با تفکر و باورهای انقلابی و دینی خویش، به پیشگامان جنبش‌های اسلامی و رهایی‌بخش انتقال داده و زمینه‌های رشد و شکوفایی آنان را فراهم سازد.

۲-۱. **اندیشه صدور انقلاب اسلامی:** بی‌تردید پدیده «انقلاب»، نه تنها تغییرات اساسی و گسترده‌ای در نهادها، قواعد و ماهیت رژیم و روابط حکومت و جامعه در داخل منجر

می‌شود، که تأثیرات آن به‌گونه‌ای طبیعی از مرز کشورها فراتر می‌رود و در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی بر سیاست‌ها، ائتلاف‌ها، قطب‌بندی‌ها و حتی اقتصاد سیاسی بین‌الملل تأثیر می‌گذارد. «انقلاب اسلامی ایران» نیز از این قاعده مستثنا نیست. انقلاب اسلامی ایران، به‌عنوان یک پدیده فراملی، بازتاب و تأثیرات گسترده‌ای در نظام بین‌الملل، در سطح جهان اسلام و همچنین در سطح منطقه‌ای در پی داشته است. در ساختار نظام بین‌الملل، انقلاب اسلامی با به چالش کشیدن قواعد موجود و معادلات قدرت حاکم بر نظام بین‌الملل و تبدیل گفتمان اسلامی به عمل سیاسی و واقعیتی عینی، سبب خیزش دوباره جنبش عدم تعهد و تقویت احساسات انقلابی ملت‌های استقلال‌طلب شد. همچنین موج بیداری انقلاب، موجب پیدایش و احیای جنبش‌های آزادی‌بخش دینی شد به‌طوری که این جنبش‌ها توانستند به‌عنوان یکی از بازیگران مهم و نوظهور در نظام بین‌الملل نقش آفرین شوند. انقلاب اسلامی از سویی، با محوریت (شعار نه شرقی، نه غربی) در عملکرد سیاست خارجی خود و ارائه الگوی جدیدی برگرفته از اندیشه و فرهنگ اسلامی، هویت سیاسی جدیدی بر اساس ارزش‌های دینی را از خود نمایان ساخت. با پیروزی انقلاب اسلامی، جنبش بیداری اسلامی وارد مرحله جدیدی شد و در اشکال جنبش‌ها و سازمان‌های سیاسی به منصفه ظهور رسید و موجب تحول فکری و تحول در قواعد و رویه‌های موجود در روابط بین‌الملل شد. وجه مشترک این جنبش‌ها، الهام گرفتن و به‌کارگیری اصول مبارزاتی انقلاب اسلامی مانند؛ مبارزه با استکبار، وحدت اسلامی، جهاد، ایثار و شهادت می‌باشد. هم‌اکنون ایده‌های انقلاب اسلامی در قالب جریانات و جنبش‌های مقاومت و آزادی‌بخش در مصر، لبنان، فلسطین، عراق، یمن، بحرین، عربستان و سایر ملت‌های مسلمان نمایان گشته است. انقلاب اسلامی گرچه یک انقلاب شیعی بود؛ اما در اصول و آرمان‌ها و ایده‌های انقلاب اسلامی مثل جهاد، ایثار، شهادت، وحدت اسلامی، طرح نظام اسلامی و ... با دیگر جنبش‌های اسلامی اشتراکات زیادی داشت. بیداری اسلامی، به‌عنوان یک پدیده متأثر از نهضت فکری و ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران در قالب جنبش‌های

اجتماعی - اسلامی پدیدار شده است. جمهوری اسلامی ایران، تلاش دارد در روند رشد بیداری اسلامی جهان اسلام نقش الهام‌بخش و هدایت‌شونده را در همگرایی ایفا نماید. اگرچه که تاکنون نیز در جهت همگرایی جهان اسلام و پیروزی جنبش‌های اسلامی، گام‌های سازنده و اثرگذاری برداشته است؛ اما بررسی‌ها و مطالعات موجود نشان می‌دهد بازتاب انقلاب اسلامی ایران در مکان‌ها و زمان‌های مختلف متفاوت بوده است و میزان تأثیر و بازتاب آن در جهان اسلام یکسان نبوده است بلکه با توجه به قرابت‌های فکری، فرهنگی و جغرافیایی درجه تأثیر آن متفاوت بوده است و چون این انقلاب بر پایه تعالیم دین اسلام و مکتب اهل‌بیت به پیروزی رسید زمینه تأثیرگذاری آن با توجه به همین امر متفاوت بوده است و در موارد متفاوت کنشگران (دولت‌ها، جنبش‌های اسلامی و مقاومت) و کنش‌ها (خشونت‌آمیز یا مسالمت‌آمیز) نیز تغییر کرده است. همان‌طور که گفته شد، هدف اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دهه اول انقلاب و یکی از اهداف اصلی و مستمر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، که در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز بر آن تأکید شده است؛ "صدور و گسترش انقلاب اسلامی" بود. مطابق اصول ایدئولوژی انقلاب اسلامی، مبارزه برای گسترش انقلاب اسلامی به‌مثابه جهاد (جنگ مقدس) علیه طاغوت مطرح می‌شود که در تعالیم قرآن و احکام شریعت، ریشه دارد و هدفش اتحاد جهان اسلام و گسترش حاکمیت الهی در روی زمین است. بیانات امام خمینی (ره) و نیز اصول ایدئولوژی اسلامی انقلاب موجب شد انقلاب ایران در بین جنبش‌ها و فعالان اسلامی در جهان به‌مثابه انقلابی اسلامی تا شیعی تلقی شود. اگرچه ولایت‌فقیه که همان تفسیر امام خمینی از نظام سیاسی تشیع است بیانگر تفسیر خاصی از اسلام است که همان عنصر «شیعی» بودن انقلاب اسلامی است. بااینکه انقلاب اسلامی جایگاه شیعیان را از حاشیه به مرکز ثقل تحولات جهان اسلام منتقل کرد. وارد کردن مکتب تشیع در مطالعات و تحقیقات شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی، افزایش گرویدن به تشیع و ... از تأثیرات انقلاب اسلامی در میان شیعیان بود. انقلاب اسلامی به تمام شیعیان جهان

نشان داد که توانایی ایجاد یکی از انقلاب‌های بزرگ تاریخ را دارد (عیوضی، ۱۳۸۲: ۱۷۲-۱۷۰). با توجه به اینکه از آغازین روزهای پیروزی انقلاب یکی از نکاتی که امام بر آن تأکید جدی داشتند مسئله صدور انقلاب بود. در اندیشه‌ی امام خمینی ضمن اینکه صدور انقلاب به دلیل ماهیت و ویژگی‌های ایدئولوژیک انقلاب اسلامی به‌عنوان وظیفه و تکلیف مطرح بوده و بر مبانی اعتقادی مبتنی است، از لحاظ واقعیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیز اجتناب‌ناپذیر است. از طرف دیگر، از دیدگاه امام خمینی در صدور انقلاب می‌بایست ملت‌ها را هدف دانست و به ابعاد جامع صدور انقلاب توجه کرد تا اهداف و منافع جمهوری اسلامی ایران در محیط فراملی برآورده شود (فرزندی، ۱۲۵: ۱۳۹۵).

۳-۱. **ضرورت صدور انقلاب:** امام خمینی (ره) ضمن اینکه اقدام برای صدور انقلاب را یک تکلیف و وظیفه‌ی شرعی می‌دانستند، تداوم انقلاب و کارآمدی و تحقق اهداف آن را وابسته به صدور انقلاب دانسته و در صورت غفلت از این امر مهم و محصور ماندن انقلاب در مرزهای انقلاب، شکست انقلاب را قطعی می‌دانستند؛ چنانچه فرموده‌اند: «ما باید از مستضعفین جهان پشتیبانی کنیم. ما باید در صدور انقلابمان به جهان کوشش کنیم و تفکر اینکه ما انقلابمان را صادر نمی‌کنیم کنار بگذاریم؛ زیرا اسلام بین کشورهای مسلمان فرقی نیست و پشتیبان تمام مستضعفین جهان است. از طرفی دیگر تمام قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها کمر به نابودیمان بسته‌اند و اگر ما در محیطی دربسته بمانیم، قطعاً با شکست مواجه خواهیم شد.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲: ۲۰۲). همچنین فرموده‌اند: «نهضت ما اسلامی است، نهضت مستضعفین سراسر جهان است قبل از آنکه به منطقه‌ای خاص متعلق باشد» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۱۱۰). حضرت امام صدور انقلاب را موجب قیام همگانی مستضعفان دانسته و چنین فرموده‌اند: ان‌شاءالله، با این قیام همگانی مستضعفین جهان، فاتحه ابرقدرت‌ها خوانده خواهد شد» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۵: ۳۱۵). بر اساس موضوعات پیشین ضمن اینکه صدور انقلاب از منظر امام خمینی منبعث از مبانی شرعی است و برای مسئولان جمهوری اسلامی ایران تکلیف‌آور است؛ از لحاظ تعاملات برون‌مرزی و حفظ

منافع و مصالح جمهوری اسلامی ایران نیز موضوعیت دارد؛ بدین معنا که صدور انقلاب منطبق بر دیدگاه جامع، وظیفه و تکلیفی اجتناب‌ناپذیر است که در صورت بی‌توجهی به آن جمهوری اسلامی ایران را با چالش‌های طبیعی ناشی از تأثیرات غیرارادی و کنترل نشده انقلاب در محیط پیرامون و تهدیدات برنامه‌ریزی شده دشمنان انقلاب اسلامی مواجه می‌کند (فرزندی، ۱۳۰: ۱۳۹۵).

۲- زمینه‌های فکری و عقیدتی انقلاب اسلامی

ریشه‌های عقیدتی انقلاب اسلامی در قرآن: قرآن کریم غالباً به‌طور غیرمستقیم و با نقل یک واقعه یا طرح اصول کلی یا بیان یک سنت خداوند در نظام آفرینش انسان را به حرکت فرامی‌خواند و گاهی با خطاب مستقیم از پیروانش می‌خواهد که زندگی‌شان را چگونه سامان دهند و آیات زیادی از قرآن الهام‌بخش مبارزات و حرکات سیاسی و اجتماعی بوده است، آیاتی از قبیل نفی ظلم و ستم، اصل نفی سبیل، اطاعت از رهبری، پرهیز از اختلاف، دعوت به اتحاد و تشکیل امت واحد، امر به معروف و نهی از منکر و نفی از ظلم و ستم «اصل ظلم‌زدایی» قرآن کریم در تأکید بر ضرورت ظلم‌زدایی از جامعه‌ی بشری و صحنه‌ی فعالیت‌های اجتماعی انسان‌ها و از خدا آغاز می‌کند و برای ظلم هیچ‌گونه جایی در نظام آفرینش قائل نمی‌شود؛ و ظلم‌زدایی از جامعه بشری را مسئولیت اجتناب‌ناپذیر انسان بر عهده‌ی خود او می‌نهد و نه تنها ظلم کردن را منع می‌کند، بلکه پذیرش ظلم و ستم را نیز محکوم می‌کند (شفیته رأفت، ۱۳۹۰: ۵).

اصل نفی سبیل: براساس این قاعده حق سلطه کافران بر مسلمانان نفی شده است. این قاعده برگرفته از این آیه قرآن کریم است «خداوند برای کافران راه سلطه و نفوذ بر مسلمانان را قرار نداده است» (غفاری و علیزاده، ۱۳۹۱: ۱۸۷). «خدا هیچ‌گاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد نمود». اراده تشریحی خداوند براین تعلق گرفته که مسلمانان زیر سلطه‌ی کفار نروند. لذا جهت‌گیری قوانین اسلام هم در همین راستا می‌باشد.

بر همین اساس هر اقدام یا تعهد و قراردادی که موجب شود کفار بر مسلمانان تسلط پیدا کنند ضمن آن که حرام است، باطل بوده و ارزش حقوقی ندارد.

عدم سلطه کفار بر مسلمین: با استناد به آیات قرآن کریم در نهایت مستضعفین بر مستکبرین غلبه می‌یابند.

رهایی مستضعفان: آزاد و رها کردن مستضعفان از زیر بار ظلم و ستم مستکبران یکی دیگر از دلایل شکل‌گیری قیام امام خمینی (ره) بوده است. از نظر امام مستضعفان فقط کسانی نبودند که در چارچوب مرزهای جغرافیایی کشور ایران زندگی می‌کردند، بلکه هدف نهایی حضرت رها ساختن تمام مستضعفان جهان از چنگال مستکبران بوده است (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۱۲۰-۱۱۹).

الگوسازی برای سایر ملت‌ها: یکی دیگر از دلایل مهم شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران، ارائه یک مدل عملی از حکومت اسلامی به جهانیان بوده است (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۳۳). از دیدگاه ایشان، انقلاب اسلامی ایران نقطه آغاز مبارزه مستضعفین جهان علیه مستکبرین دنیا می‌باشد و ویژگی‌های قیام ملت ایران همانند انجام مبارزه با دست‌خالی، اتکا بر قدرت ایمان، وحدت کلمه و تمسک به احکام نورانی اسلام، می‌تواند به‌عنوان یک الگو توسط سایر ملل مورد استفاده قرار گیرد و آنان را در مقابل قدرت‌های بزرگ به پیروزی برساند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۷: ۲۹۲).

۳- بازتاب انقلاب اسلامی بر شیعیان

با توجه به مفهوم ژئوپلیتیک شیعه که به مفهوم امتداد جغرافیای سیاسی شیعه در کشورهای مختلف خاورمیانه بزرگ با هارتلند ایران است. وقوع انقلاب اسلامی ایران، افق‌های تازه‌ای به روی شیعیان منطقه گشود و آنان را برای مبارزه برای تغییر وضع موجود رهنمون ساخت و این در حالی است که دولت‌های منطقه بی‌توجه به فاکتورهای جغرافیایی سیاسی شیعیان و مؤلفه‌های مثبت جغرافیایی آن‌ها، به گرایش‌ها و تعصبات قومی مذهبی

متکی هستند. جداسازی شیعیان از دیگر گروه‌ها و جمعیت‌ها و در انزوا قرار دادن و همچنین عدم مشارکت آنان در قدرت و حاکمیت کشور، نمونه بارز بی‌توجهی به جنبه‌های مختلف جغرافیایی سیاسی از سوی دولت‌های منطقه به شمار می‌آید (فاضلی نیا، ۱۳۸۵: ۱۲۱). انقلاب اسلامی بر شیعیان جهان تأثیر فوق‌العاده‌ای به‌جای گذاشت و می‌توان ادعا نمود که جایگاه شیعیان جهان را از حاشیه و پیرامون به مرکز ثقل تحولات جهان اسلام منتقل نمود. شیعیانی که در طول چندین قرن نه‌تنها همواره در اقلیت بوده و آماج حملات شدید تبلیغاتی به‌ویژه توسط حکام و خلفای بلاد اسلامی قرار می‌گرفتند و الزاماً با تکیه بر اصل تقیه حتی از بروز افکار و اندیشه‌های خود هراس داشتند با این پیروزی جانی دوباره گرفته و در صف اول مبارزه با امپریالیسم و استکبار قرار گرفتند. شرق شناسان و اسلام شناسان غربی که تا این زمان توجه چندانی به مکتب تشیع نداشته و اسلام را از دریچه اکثریت می‌دیدند و مطالعات و تحقیقات خود را بیشتر بر پایه شناخت اسلام از دیدگاه اهل سنت و جماعت قرار داده بودند، ناگهان متوجه این غفلت بزرگ خود گردیده و احساس کردند که از نظر شناخت مکتب تشیع در تاریکی و ابهام شدیدی به سر می‌برند و در همین راستا بود که مسیر تحقیقات خود را تغییر داده و با تشکیل کنفرانس‌ها و سمینارهای مختلف و متعدد و انتشار مقالات و کتب گوناگون در جهت شناخت بهتر این مکتب تلاش وسیعی آغاز کردند. اطلاعات موجود بیانگر این واقعیت است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تعداد کسانی که از دریچه مکتب اهل‌بیت به دین اسلام گرویده‌اند به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. این امر حتی در مورد تغییر مکتب از مکاتب چهارگانه اهل سنت به مکتب جعفری هم صدق می‌کند. بدین معنا که شمار قابل‌توجهی از اهل سنت در اثر پیروزی انقلاب اسلامی علاقه جدی به شناخت واقعیت‌های مکتب تشیع پیدا کرده و به دنبال یافتن رمز و رموزی بودند که در اثر آن‌ها انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و توانست در اواخر قرن بیستم بر قدرت مستبد شاهنشاهی که با حمایت قدرت‌های بزرگ تقویت می‌گردید غلبه نموده و نظامی را تأسیس نماید که در آن ارزش‌های اسلامی حاکم باشد.

طبق اطلاعات به دست آمده تنها در نیجریه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی متجاوز از ۱۰ میلیون نفر به پیروان مکتب تشیع افزوده شده است و در بسیاری از جوامع اسلامی همچون مالزی، اندونزی در خاور دور به تدریج اقلیت شیعه شکل گرفته و جایگاه مطلوبی در میان مکتب‌های مختلف اسلامی پیدا نمودند. در خصوص بازتاب انقلاب اسلامی بر شیعیان به طور کلی می‌توان ابعاد زیر را برجسته نمود:

- انتقال از حاشیه به مرکز ثقل جهان اسلام
- گرایش محققین و کارشناسان و اسلام‌شناسان به شناخت بیشتر تشیع
- گرایش غیرمسلمانان و حتی مسلمانان اهل سنت به مکتب تشیع
- ایجاد روحیه انقلابی و در واقع الگوبرداری از انقلاب اسلامی در تقابل با استکبار جهان
- پیدایش امواجی از اسلام سیاسی در میان شیعیان که خواهان بخش یا تمامی قدرت و حکومت هستند.
- الگوبرداری شیعیان از انقلاب اسلامی در تقابل با حاکمان مستبد از جمله عراق، بحرین و یمن و ... (طاهری، ۱۳۸۸: ۵۶-۵۵).

۴- سیر تحولات ژئوپلیتیک شیعیان یمن

۱-۴. روندهای محقق شده:

از سال ۱۹۶۲ عبدالله سلال موفق شد با حمایت و تحریک جمال عبدالناصر علیه امام محمد بدر حکمران وقت یمن کودتا کند. در ۱۰ نوامبر ۱۹۶۲ یک موافقت‌نامه دفاعی مشترک بین یمن و مصر به امضا رسید که به موجب آن نیروهای مصری برای سرنگونی حکومت زیدی‌ها وارد یمن شدند. (جعفری والدانی، ۱۳۷۴: ۲۴۱) پس از کودتا همه مدارس دینی را تعطیل اعلام کردند، علمای آنان را کشتند، شیعیان را قتل‌عام کردند و مظاهر فرهنگ هزارساله را که وابسته به اهل بیت (ع) بود تغییر دادند. برای مثال قبلاً در مراسم تشیع جنازه از اول تا آخر ذکر اهل بیت (ع) می‌شد اما همه این‌ها را ممنوع کردند.

اکنون در مدارس رسمی و غیررسمی اصلاً مسئله اهل‌بیت (ع) مطرح نیست. انتشار کتاب‌هایی مانند نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه ممنوع است تا آنجا که بر اساس دستور صریح دولت به جمع‌آوری نهج‌البلاغه از سراسر یمن اقدام کردند. (العماد، ۱۳۸۴: ۲۳۰-۲۲۹) از سال ۱۹۶۲ تاکنون دست‌کم پنج هزار زن و مرد و عالم شیعی کشته شده‌اند، تعداد زیادی از ائمه جماعات و روحانیان برجسته به قتل رسیده‌اند، تعدادی از علمای شیعه زیدی در جنگ‌های اخیر کشته شده‌اند که برخی از آن‌ها قریب هشتاد سال سن داشته‌اند. (العماد، ۱۳۸۴: ۲۳۲) بزرگ‌ترین مشکل شیعیان یمن این است که دولت مرکزی هنوز دیدگاه‌های اولیه خود را نسبت به شیعیان تغییر نداده است و همچنان به شیعیان به‌عنوان یک تهدید می‌نگرد. این در حالی است که شیعیان یمن فقط خواستار رعایت حقوق شهروندی برابر با پیروان دیگر مذاهب در این کشور هستند. در مجموع، عمده‌ترین دشواری‌ها و چالش‌هایی که شیعیان با آن مواجه بوده‌اند عبارت از: ۱- نداشتن حق تأسیس مدارس مذهبی ۲- آزار و شکنجه و زندانی شدن شیعیان و علمای شیعی ۳- جلوگیری از برگزاری مراسم مذهبی مانند جشن عید غدیر ۴- توهین به ارزش‌ها مانند تخریب مساجد و به آتش کشیدن علنی کتاب‌هایی مانند نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه.

شیعیان خود بهتر از هر کس دیگری به این موضوع آگاه‌اند که نه شرایط منطقه‌ای و نه شرایط بین‌المللی هیچ‌کدام این فرصت را به آن‌ها نمی‌دهد که یک دولت شیعی در یمن به قدرت برسد. به همین دلیل از هرگونه حرکت جدایی‌طلبانه پرهیز کرده و به تمام توافقات خود با دولت مرکزی پایبند بوده‌اند. زیدی‌ها که تا سال ۱۹۶۲ حکومت را در یمن در اختیار داشتند، نه تنها به انزوا کشیده شده‌اند بلکه به شیوه‌های گوناگون از سوی دولتمردان سرکوب گردیده‌اند. دولت‌های حاکم بر یمن از سال ۱۹۶۲ تاکنون برای مقابله با شیعیان بر اساس سه رویکرد عمل کرده‌اند:

- ۱- ایجاد ارتباط و مرادده با برخی طوایف و قبایل قدرتمند غیر شیعی
- ۲- توسعه نیروهای مسلح و توانمندسازی نهادهای امنیتی و نظامی دولتی

۳- کسب حمایت قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای

رویکردهای سه‌گانه مذکور در سه دهه اخیر که علی عبدالله صالح ریاست جمهوری یمن را بر عهده داشته، بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گرفته است. (موسوی، ۱۳۸۸: ۱۰۸) در سال ۱۹۸۶ تشکیلاتی با عنوان «اتحاد شباب» برای آموزش جوانان شیعه زیدی تشکیل شد که تحت نظارت عالمان دینی زیدی از جمله بدر الدین الحوثی قرار داشت. حوثی‌ها خود را مدافعان جامعه شیعیان زیدی می‌دانند و مورد هجوم شدید و درخطر نابودی فرهنگی هستند. در واقع نیروهای حوثی بازوی مسلح شیعیان یمن هستند که در برابر انواع تهاجم‌های دولت مرکزی از آن‌ها حمایت می‌کنند (Johnsen, 2009). با اتحاد دو یمن در سال ۱۹۹۰ تشکیلات «اتحاد شباب» در حزب «الحق» که یک تشکیلات سیاسی زیدی بود، ادغام شد. تشکیلات حزب «الحق» از سال ۲۰۰۲ و جهت ضدآمریکایی شدید پیدا کرد و شعارهای «الله اکبر»، «مرگ بر آمریکا»، «مرگ بر اسرائیل»، «لعنت بر یهود» و «اسلام پیروز است» را در مساجد و مراسم و پس از هر نماز جماعت به صورت عملی مطرح ساخت. جریان مزبور تا سال ۲۰۰۴ روند سیاسی علنی داشت و در انتخابات پارلمانی و فعالیت‌های سیاسی آشکار حضور می‌یافت. برای نمونه «حسین الحوثی» اولین رهبر جنبش الحوثی، نماینده مجلس یمن در دوره انتخاباتی ۱۹۹۳ بود. این گروه به صورت رسمی، خواستار فعالیت حزبی، تأسیس دانشگاه و در نظر گرفتن مذهب زیدی به عنوان مذهب رسمی در کنار سایر مذاهب از سوی دولت است. رهبر کنونی این گروه عبدالملک الحوثی است که از لحاظ فکری و فرهنگی، به دلیل دارا بودن شخصیت قوی، پس از کشته شدن برادرش حسین با وجود برادر بزرگ‌ترش یحیی به رهبری این جنبش برگزیده شده است. وی از سال ۲۰۰۴ تاکنون توانسته است با کمک برخی از هم‌فکران برادرش در «شباب المؤمن» آن را هدایت و رهبری کند. (مؤسسه ابرار معاصر تهران، ۱۳۹۰: ۲۰۰). از سال ۲۰۰۴ دولت یمن با این گروه درگیرهای سختی داشته است. تاکنون دست کم شش جنگ گسترده بین آن‌ها به وقوع پیوسته است. (صالحی، ۱۳۸۸: ۱۸) در جریان درگیری‌های نخستین بین نیروهای

دولتی یمن و گروه الحوثی این نارضایتی وجود داشت که دولت همواره تلاش کرده است شیعیان را از قدرت کنار نگه دارد. در همین زمینه، حوثی‌ها برای قیام در مقابل دولت، از فتوای مذهبی استفاده و اعلام کردند که باید در برابر حاکم ظالم خروج کرد. (Johnsen, 2009) روزی که درگیری‌های صعده آغاز شد، مبارزان حوثی بر دو نکته تأکید داشتند رفع تبعیض از مردم و اعطای آزادی‌های مذهبی، زیدی‌ها از بی‌توجهی دولت به مناطق زیدی‌ها شکایت دارند. یکی از ناظران امور این کشور می‌گوید: «مردم این مناطق دولت را فقط به واسطه موشک‌ها و تانک‌ها می‌شناسند». (AL-Nida, 2005) باوجود آنکه صعده ثروتمندترین استان یمن است اما از سایر استان‌ها فقیرتر بوده و همچنان در حاشیه قرار دارد. به‌هرحال اینکه دایره خواسته‌های شیعیان زیدی فراتر رفته و آنان خواستار پایان دادن به سیطره عربستان بر بخش‌هایی از سرزمین یمن شامل سه استان و قریب ده جزیره، نفی حکومت سکولار و برجیده شدن سیطره سیاسی غرب بر یمن هستند. (مؤسسه ابرار معاصر تهران، ۱۳۹۰: ۳-۲)

دولت مردان یمن همواره در اظهارات خود سعی کرده‌اند ایران را به حمایت از مبارزان شیعه متهم نمایند و حال آنکه طبق گزارش نهادهای غربی و حتی اظهارات معاون وزیر خارجه وقت آمریکا هیچ شواهد مستندی از حمایت ایران در قیام شیعیان و مردم یمن ارائه نشده است. (BBC, 2009) آنچه واقعیت دارد تأثیرپذیری و الهام مردم یمن به‌ویژه شیعیان، از انقلاب اسلامی ایران در جهت رفع بی‌عدالتی‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی و نارضایتی‌های تاریخی است. آن‌ها به انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک الگوی موفق در جهت رفع همه محرومیت‌های مادی و معنوی خود می‌نگرند. انقلاب اسلامی ایران اعتمادبه‌نفس و امید آن‌ها را برای پیگیری حقوق مسلم شهروندی افزایش داده و شعله امید به پیروزی را در آن‌ها فروزان ساخته است.

می‌توان به این واقعیت اذعان کرد که دوران انزوای ژئوپلیتیکی شیعیان یمن به پایان رسیده و آنان در مسیر گسترش قلمرو ژئوپلیتیکی قرار گرفته‌اند، انقلاب یا جنگ نتیجه یکی

است و آن حضور پر قدرت شیعه در جنوب شبه جزیره عربستان است. هضم این واقعیت برای برخی از قدرت‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای همچون عربستان مشکل است. اگر دولت عربستان و دولت یمن راه جنگ را در پیش بگیرند، ناخواسته به تحقق این روند سرعت بیشتری می‌دهند و آینده سختی برای خود ترسیم خواهند کرد با توجه به توضیحات مذکور و شواهد و قرائن موجود جایگاه شیعیان این کشور در آینده ارتقاء بیشتری خواهد یافت.

۲-۴. ژئوپلیتیک شیعیان یمن:

بین ۳۰ تا ۳۵ درصد از جمعیت این کشور را شیعیان زیدی تشکیل می‌دهند. حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این گروه مذهبی همواره در طول دوره‌های گوناگون تاریخی و تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی با فراز و نشیب‌های فراوانی همراه بوده است. شیعیان زیدی یمن که در دوره‌ای طولانی بر این کشور حکومت می‌کردند، از اوایل دهه ۱۹۶۰ به بعد، تحت فشار حاکمان قرار گرفتند، به نحوی که پس از این، بسیاری از حقوق اجتماعی و سیاسی خود را از دست دادند (عباسی و گلچین، ۱۳۹۴: ۷۰).

جدول ۱- پراکندگی جغرافیایی شیعه در جهان

نام کشور	جمعیت	
ایران	۷۰ میلیون نفر	
هند	یک میلیارد نفر	۳ درصد (مقاله جمعیت شیعه در جهان، مختار اصلانی - مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه) ۵۰ میلیون نفر (۵ درصد) پایگاه خبری تحلیلی اهل البیت (ع) - (اکثراً اثنی عشری و تعداد کمی اسماعیلیه)

عراق	۲۱ ۷۲۲ ۰۰۰ نفر	۶۰ تا ۶۵ درصد (مقاله جمعیت شیعه در جهان) - ۶۲,۵ درصد (ویکی‌پدیا)
کویت	۸ ۱۶۶ ۰۰۰ نفر	۳۰ درصد (ویکی‌پدیا) (مقاله جمعیت شیعه در جهان) - ۴۰ درصد (جمعیت‌های شیعی منطقه خلیج فارس، نور پورتال به نقل از کتاب جمعیت‌های شیعی منطقه خلیج فارس)
آذربایجان	۷ ۶۵۰ ۰۰۰ نفر	۷۰ درصد (مقاله جمعیت شیعه در جهان)
بحرین	۶۳۳ ۰۰۰ نفر	۶۱ درصد (مقاله جمعیت شیعه در جهان)
افغانستان	۲۴ ۷۹۲ ۰۰۰ نفر	۱۵ درصد (مقاله جمعیت شیعه در جهان) - ۲۰ تا ۳۰ درصد (ویکی‌پدیا)
لبنان	۳۵۰۶ ۰۰۰ نفر	۳۴ درصد (مقاله جمعیت شیعه در جهان)
پاکستان	۱۴۱ ۹۰۰ ۰۰۰ نفر	۲۰ درصد (ویکی‌پدیا) (مقاله جمعیت شیعه در جهان) - بخشی از شیعیان پاکستان اسماعیلیه هستند.
یمن	۱۸ ۲۶۰ ۰۰۰ نفر	۴۰ درصد (مقاله جمعیت شیعه در جهان) - ۴۵ درصد (زیدی، ویکی‌پدیا) - غالباً زیدی مذهب
سوریه	۱۵ ۳۳۵ ۰۰۰ نفر	۱۲ درصد (مقاله جمعیت شیعه در جهان)
گرجستان	۶۴۰۰ ۰۰۰ نفر	۷ درصد (شیعیان گرجستان، ولی جباری، نشریه اخبار شیعیان، شماره ۵۶)
امارات	۳۷۵۴ ۰۰۰ نفر	۱۶ درصد (ویکی‌پدیا) - برخی منابع بین ۶ تا ۲۰ درصد، برخی منابع ۱۶ درصد، برخی منابع ۲۳ درصد (امارات متحده عربی و جایگاه شیعیان، راسخون)
عربستان	۲۲ میلیون نفر	۱۵ درصد (حکومت ایران و ماجرای شیعه عربستان، سایت تحلیلی خبری عصر ایران) - ۱۰ درصد شیعیان عربستان در گفتگو با آقای

		شیرازی، اخبار شیعیان، دی ۱۳۸۶، شماره ۲۶ (۱۰ تا ۱۵ درصد) دنیای شیعه / شیعه در عربستان، انتظار نوجوان، آبان ۱۳۸۷، شماره ۴۰
ترکیه	۷۳ میلیون نفر	۲۵ درصد (بزرگ‌نمایی یک توهم و ژئوپلیتیک شیعه، نجف لک زایی، پایگاه حوزه، بیست و هفتم دی ۱۳۸۲، شماره ۱۱۸) - ۲۰ میلیون علوی و ۳ میلیون شیعه اثنی عشری (گفتگو با رهبر شیعیان ترکیه، خیمه) - بیش از ۱۵ میلیون علوی و ۲ میلیون اندی شیعه (اطلس شیعه، رسول جعفریان)

منبع: دایره المعارف شیعه، ویکی‌پدیا، ۱۳۹۴

۳-۴. مبانی فکری شیعیان زیدی

نظریه‌های نظام سیاسی شیعه پیش از هر چیز بر یک اصل استوار است و آن‌هم پذیرش حق علی (ع) برای جانشینی پیامبر است. نحوه اثبات این حق یا تداوم آن در جانشینان، تمایز بخش فرقه‌های گوناگون شیعی است علاوه بر شیعیان دوازده‌امامی (اثنی عشری) که شاخه اصلی شیعیان هستند شیعیان زیدی، شیعیان اسماعیلی به‌ویژه شاخه اصلی آن اسماعیلیه فاطمی (فاطمیون) که نسب خود را به فاطمه دخت پیامبر رسانیده‌اند گونه‌های برجسته دیگری از تشیع را در طول تاریخ تشکیل داده‌اند. زیدیان توانستند در یمن و جنوب شبه‌جزیره عربستان مستقر شوند و مدت کمی نیز در سواحل جنوبی بحر خزر حضور یابند (عیوضی، ۱۳۸۲: ۴۵).

زیدیان امامت هر فاطمی نسب عالم، عادل، شجاع و قائم به سیف را می‌پذیرند. زید در سال ۱۲۲ هجری قمری به خونخواهی شهدای کربلا علیه هشام ابن عبدالملک قیام کرد و سرانجام کشته شد. زید شرط امامت را قیام می‌دانست. به‌طور کلی عقاید زیدیه که بیشتر گروه‌های زیدی هنوز به آن اعتقاد دارند عبارت‌اند از:

۱- وجوب قیام علیه حاکم ظالم در هر شرایطی

۲- عدم حضور آگاهی امام از عالم غیب

۳- عدم لزوم عصمت امامت

۴- مذمت نکردن شیخین

۵- نص پنهان بر امامت علی و دو فرزندش با تعیین اوصاف آنان نه تصریح به اسم و نام ایشان

۶- پیوند نسبی با حضرت فاطمه زهرا (س) (میری، ۱۳۸۸: ۳۳).

زیدیان خود به چندین فرقه از جمله جارودیه، بتریه، جریریه، هادویه... تقسیم می‌شوند که از نظر اعتقادات تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند اما در کل از لحاظ تاریخی زیدیان یمن را به دودسته تقسیم می‌کنند: جارودیان و غیر جارودیان. جارودیان علاوه بر اعتقاد به قیام و انقلاب، وابستگی و علاقه شدید به اهل بیت داشته و اندیشه‌های شیعی در آن‌ها پررنگ است و در مقایسه با اهل سنت به شیعیان امامی نزدیک‌ترند و همواره جریان اصلی در تشیع زیدیه بوده‌اند. جریان دوم زیدیه که بیشتر حدیث‌گرا هستند از لحاظ اعتقادی متشیع محسوب می‌شوند. زیدیه در طول تاریخ تطورات و گوناگونی‌های زیادی را تجربه کرده است. ترکیب اولیه زیدیه از یکسو ترکیبی سلفی - سنی و از سوی دیگر ترکیبی اشعری - اعتزالی بود. تا قرن هشتم قمری از میان گرایش‌های مختلف زیدیه؛ فرقه‌های سلیمانیه و بتریه بسیار کم‌رنگ شدند و زیدیه بخشی از مذهب تشیع به حساب آمد. از اوایل قرن نهم هجری سطره خلافت عثمانی بر بخش وسیعی از جهان اسلام خاصه در حوزه عربی زیدیه، این مذهب بار دیگر دستخوش تحول شد و این همراه با مرحله سوم حکومت زیدیه بود (میر احمدی و احمدوند، ۱۳۹۴: ۱۴۸-۹).

۴-۴. ژئوپلیتیک شیعیان یمن قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

تا پیش از وقوع انقلاب اسلامی ایران، دو کشور یمن شمالی و جنوبی در سیاست خارجی ایران از تعریف و جایگاه مشخصی برخوردار نبود، به‌ویژه یمن جنوبی از جمله متحدان اتحاد جماهیر شوروی به شمار می‌رفت. یمن جنوبی تنها کشور اسلامی و عربی بود

که سوسیالیسم نوع شوروی را اتخاذ کرده بود (جعفری ولدانی، ۱۳۸۴: ۲۸). شرایط یمن جنوبی باعث شد تا زمینه حضور نظامی شوروی سابق در دریای سرخ و دریای عمان و تسلط بر تنگه استراتژیک باب المندب فراهم شده و تردد کشتی‌های نظامی و تجاری غرب در این حوزه‌ها نیز مختل شوند که این موضوع بخشی از دغدغه‌های منطقه‌ای ایران در آن دوره محسوب می‌شد؛ بنابراین، سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی دوم در قبال یمن جنوبی نگاهی توأم با نگرانی بود. از همین رو ایران به نیابت از آمریکا و غرب بخشی از نیروهای نظامی خود را برای دفاع از پادشاهی عمان در ظفار مستقر کرد. در سال ۱۹۶۲، جمال عبدالناصر با حمایت از کودتای نظامی سرهنگ سلال، حکومت را از زیدی‌ها گرفت و به افراد لائیک سپرد. این حادثه به شدت بر جایگاه و زندگی سیاسی و اجتماعی شیعیان زیدی که بیش از یازده قرن حکومت یمن را در اختیار داشتند، تأثیر گذاشت. چراکه از این زمان به بعد، وهابیون یمن، علی‌رغم اینکه درصد کمی از جامعه یمن را شامل می‌شدند اما از آزادی عمل زیادی برخوردار شدند، آن‌ها از طریق تصاحب کردن پست‌های سیاسی مهم، جای پای محکمی در این کشور برای خود گشودند و توانستند فشارهای اجتماعی - سیاسی زیادی را بر شیعیان وارد آورند. در این زمان اکثر پست‌های حکومتی از شیعیان و به‌ویژه زیدیان یمن گرفته شد و از این پس آن‌ها حق هیچ‌گونه مشارکت سیاسی در حکومت را نداشتند و همچنین، نمی‌توانستند در سطوح بالای قوه مجریه، قضاییه و ارتش قرار گیرند. به لحاظ فشارهای مذهبی نیز همه مراسم زیدیان از سوی حکومت وهابی جدید ممنوع اعلام شد. فعالیت همه مدارس دینی را ممنوع اعلام کردند و علمای آن‌ها را کشته یا دستگیر کردند (عباسی و گلچین، ۱۳۹۴: ۷۹).

بعد از کودتا آزار و اذیت شیعیان و علمای آن‌ها شروع گردید؛ و ذکر نام اهل بیت و مراسمات مربوطه که برای زیدیان از اهمیت برخوردار بود، ممنوع اعلام شد (العماد، ۱۳۸۷: ۲۰). همچنین انتشار کتب‌های مذهبی چون نهج البلاغه و صحیفه سجادیه ممنوع گردید و این کتب از تمامی کتابخانه‌ها جمع‌آوری گردید و برای کسانی که این گونه کتاب‌ها را

آموزش می‌دادند، جرائم سنگینی از سوی حکومت تعیین شده بود (تلاشان، ۱۳۹۱: ۱۲-۱۱). دولت حاکم بر یمن برای مقابله با شیعیان، براساس سه رویکرد عمل کرد:

- کسب حمایت قدرت‌های منطقه‌ای از جمله عربستان و بین‌المللی مانند آمریکا
- گسترش توانمندی‌های نیروهای مسلح و سازمان‌های امنیتی
- ارتباط با قبایل قدرتمند غیر شیعی یمن

این رویکردهای سه‌گانه مزبور در سه دهه‌ای که علی عبدالله صالح ریاست جمهوری یمن را بر عهده داشت، بیش‌ازپیش مورد توجه و تأکید قرار گرفت (موسوی، ۱۳۸۸: www.hamshahronline.ir).

۴-۵. ژئوپلیتیک شیعیان یمن پس از پیروزی انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تحولاتی در جهت‌گیری سیاست خارجی یمن شمالی و جنوبی نسبت به ایران به وجود آمد. یمن شمالی هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، حکومت جدید را به رسمیت شناخت و سفیر یمن شمالی به دیدار آیت‌الله خمینی آمد. همچنین در جشن اولین سالگرد انقلاب اسلامی، یک هیئت از یمن شمالی به ریاست «قاضی عبدالله الشامی» یکی از علمای مشهور و عضو شورای یمن به تهران مسافرت نمود (امیردهی، ۱۳۸۹: ۱۲۷). با آغاز جنگ تحمیلی، یمن شمالی به رهبری علی عبدالله صالح، در کنار کشورهای حوزه خلیج فارس و یمن جنوبی به رهبری علی ناصر محمد، در کنار جمهوری اسلامی ایران قرار گرفتند. یمن شمالی در ابتدا خود را طرفدار انقلاب اسلامی نشان داد ولی با توجه به روابط نزدیکی که با کشورهای مرتجع عرب داشت، رفتار محافظه‌کارانه‌ای را در پیش گرفت و در جریان جنگ تحمیلی از عراق حمایت کرد و سربازانی را جهت کمک به رژیم بعث عراق در جنگ علیه ایران اعزام کرد. از سوی دیگر دولت یمن جنوبی پس از انقلاب اسلامی ایران برای نشان دادن حسن نیت خود، یک خلبان اسیر ایرانی را که در سال ۱۹۶۷ به علت سقوط هواپیمایش در مرز ظفار دستگیر شده بود، با وساطت جبه آزادی‌بخش خلق عمان آزاد نمود و نهایتاً در اسفند ۱۳۵۸ طی صدور اعلامیه

مشترکی، برقراری روابط سیاسی بین دو کشور اعلام گردید. در سال ۱۹۹۰ در یمن با یکدیگر متحد شدند و پس از این اتحاد روابط ایران و یمن با فراز و فرودهایی همراه شد (عباسی و گلچین، ۱۳۹۴: ۸۰).

۶-۴. چگونگی شکل‌گیری نهضت زیدیه و تشکیل انصار الله

از سال ۱۹۹۰ که وحدت بین دو یمن شکل گرفت احزاب متعددی در این کشور متولد شدند که از جمله آن حزب الحق بود. این حزب قرار بود رهبری زیدی‌های یمن را بر عهده داشته باشد؛ اما از آنجا که بیشتر رهبران آن بالای ۶۵ سال سن داشتند، موجب شده بود تا این حزب بسیار محافظ کار و محتاط عمل کند. این موضوع باعث گردید تا تعدادی از جوانان شیعه زیدی در صعده تشکیلاتی را بانام «جوانان مؤمن صعده» (تنظیم الشباب المؤمن) پایه‌ریزی کنند. این تشکیلات با راه‌اندازی اردوهای در سه سطح ابتدایی، دبیرستان و دانشگاهی به مدت ۷۰ روز در تابستان و مناسبت‌های سالانه مانند ماه رمضان فعالیت چشمگیری را در استان‌های شمالی یمن شروع کردند. از سوی دیگر این جوانان توانستند روابط بسیار خوبی را با مردم شافعی مذهب جنوب و احزاب سیاسی که به «حراک جنوب» معروف بودند برقرار کنند. در نهایت زمانی که دولت یمن در اوت ۲۰۰۹ عملیات زمین سوخته را علیه «جوانان مؤمن صعده» در صعده و عمران آغاز کرد که به جنگ ششم صعده نیز معروف است، این جنبش نام «انصارالله» را برای خود انتخاب نمود. در این جنگ دولت یمن از امکانات گسترده‌ای برای دست‌یابی به اهدافش استفاده کرد و صدها نفر از مردم نیروهای نظامی کشته شدند و صدها تن از علما و فعالان سیاسی و فرهنگی به دست نیروهای امنیتی ترور شده و یا به زندان افتادند.

رهبری شیعیان در این جنگ با سید عبدالملک حوثی و برادرش سید یحیی بود. سید از نمایندگان مجلس یمن بود که مجلس نمایندگان مصونیت سیاسی وی را سلب و اینترپل را موظف به بازداشت وی کرد.

این درگیری به خاک عربستان سعودی هم کشیده شد و سبب شد ارتش عربستان به مواضع این گروه حمله کند در این درگیری‌ها حکومت مرکزی یمن با حمایت برخی کشورها (عربستان و آمریکا) در یک طرف و مبارزان انصارالله و «حراک جنوب» این کشور در طرف دیگر بودند. این درگیری‌ها در ۱۲ فوریه ۲۰۱۰ با فرونشستن ناآرامی‌ها و تمایل دو طرف برای مذاکره پایان یافت. جنگ ششم نشانگر تقویت قدرت نظامی و عملیاتی شیعیان زیدی در رویارویی با نیروهای دولتی است. شیعیان تا نیمه‌های جنگ موفق به انهدام سه فروند هواپیمای جنگنده سوخو، یک فروند بالگرد نظامی و ده‌ها دستگاه از تانک‌های ارتش شدند (مهدیان، ۱۳۹۴: ۷-۶).

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی، از آنجاکه در کانون قلمرو شیعی جهان (ایران) رخ داد، بیشترین تأثیرگذاری را نیز در میان جمعیت‌های شیعه که مکمل‌های فضایی ایران محسوب شده، در حوزه نفوذ این کشور قرار دارند از خود به‌جا گذاشته، باعث سیاسی و تشکیلاتی شدن آنان شده است. این مناسبات به‌خوبی رابطه‌ی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را در قالب مدل مرکز پیرامون ژئوپلیتیک شیعه نشان می‌دهد؛ زیرا شیعیان در اثر انقلاب اسلامی، از روحیه‌ی انقلابی مردم ایران الهام گرفته، با خودباوری و کشف هویت نیرومند خود، به سمت نقش‌آفرینی در میدان‌های مختلف سیاسی - اجتماعی حرکت کردند. آنان ابتدا با تأسیس و تقویت احزاب و تشکل‌های گوناگون و سپس تکامل یابی سیاسی ناشی از آن، موفق شدند سطح بینش سیاسی و تشکیلاتی خود را ارتقا بخشند؛ به‌گونه‌ای که امروزه از جایگاه مناسب‌تری در بدنه‌ی ساختار سیاسی کشورهای خود برخوردارند. مبحث اساسی در این بخش مربوط به اصل دعوت است؛ اصل دعوت و صدور انقلاب، یکی از اصول اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی است که حضرت امام (ره) آن را تا سطح اهداف غیرقابل تسامح نهضت دینی ایران ارتقاء داده و به‌عنوان رسالت و وظیفه کارگزاران نظام

اسلامی معرفی نموده‌اند. حضرت امام خمینی (ره) به‌عنوان رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، اصل صدور انقلاب را از ملزومات و تبعات ماهیت دینی و اسلامی آن عنوان نموده و استمرار و دوام آن را مورد تأکید قرار می‌دهند.

اصل دعوت و صدور انقلاب که یکی از مفروضات اساسی اندیشه سیاسی حضرت امام در روابط خارجی با دیگر کشورهای اسلامی است، ارتباط عمیقی را میان انقلاب اسلامی ایران و نهضت‌های اسلامی به وجود می‌آورد. ارتباطی که در فرایند آن، بنیان‌گذار نهضت دینی ایران تلاش دارد تا تجربیات عینی و مبارزاتی خویش را همراه با تفکر و باورهای انقلابی و دینی خویش، به پیشگامان جنبش‌های اسلامی و رهایی‌بخش انتقال داده و زمینه‌های رشد و شکوفایی آنان را فراهم سازد. تجزیه و تحلیل رهنمودهای امام در مورد اصل صدور انقلاب، مبانی شرعی و صدور آن چنین استنباط می‌شود که اقدام برای صدور انقلاب یک وظیفه و تکلیف شرعی است که به دلیل ماهیت انقلاب اسلامی، حامیان انقلاب و متولیان آن نسبت به مستضعفان و مسلمانان دارای وظیفه‌اند. اگر انقلاب در کشور محصور باشد، عزم جدی قدرت‌های جهانی مبنی بر شکست انقلاب تحقق می‌یابد. تلاش برای استقلال ملت‌ها از سلطه قدرت‌ها، یک هدف و وظیفه است. انقلاب اسلامی نه تنها نهضتی برای مسلمانان بلکه برای مستضعفین جهان است. صدور ارزش‌ها و آشنایی مستضعفان با آموزه‌های اسلام و حکومت مورد توجه اسلام از محوری‌ترین ابعاد توجه در اندیشه صدور انقلاب است. لذا در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که در اندیشه امام خمینی ضمن اینکه صدور انقلاب یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌شود، همچنین استراتژی صدور انقلاب بر پایه مجموعه‌ای از اهداف و برنامه‌هایی چون الگوسازی، تبلیغ، آگاه‌سازی، آموزش و حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش استوار است و هدف اصلی صدور انقلاب، ملت‌ها می‌باشد. این چارچوب نظری می‌تواند دستور کار متولیان انقلاب اسلامی قرار گیرد و با تکیه بر آن‌ها آگاهی، بیداری و همگرایی ملت‌ها به‌ویژه مسلمانان با آموزه‌های انقلاب اسلامی را تقویت کنند. از مجموع مطالب فوق می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که انقلاب

اسلامی اولین رخداد قرن بیستم بود که بیرون از چهارچوب دوقطبی حاکم بر جهان پدید آمد. این رخداد در سراسر کره خاکی، یک نهضت فراگیر احیای مجدد مبانی و ارزش‌های اسلامی، ایجاد کرد. انقلاب اسلامی ایران باعث دگرگونی عظیمی در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و نظامی در راستای عزتمندی مسلمانان سراسر جهان، به وجود آورد. احیای هویت دینی، طرح اندیشه‌ی تشکیل حکومت اسلامی، دفاع از آرمان مقدس فلسطین، ایجاد همبستگی مذاهب اسلامی، پیشنهاد طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها، آزادی و عدالت‌خواهی، تسلیم نشدن در برابر استبداد و استعمار، نفی تبعیض‌های قومی، نژادی و مذهبی را می‌توان از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی به شمار آورد و با عنایت به آنچه گذشت می‌توان چنین استنباط نمود که حضرت امام (ره) دیدگاهی ژرف‌انگیز و رهیافتی حداکثر در مورد انقلاب اسلامی ایران داشتند و بیشتر بر بعد اسلامی و معنوی قیام تأکیدی وافر می‌نمودند.

مبحث مهم دیگری که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته و بدان پرداخته شده است و هدف اساسی این نوشتار می‌باشد، تبیین ژئوپلیتیکی انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان یمن بود. شیعیان زیدی که جمعیت عمده شیعیان این کشور را تشکیل می‌دهند و تا سال ۱۹۶۲ بر این سرزمین حکومت می‌کردند ولی با وقوع کودتا حکومت آن‌ها سرنگون شد و از آن به بعد توسط حکومت جدید تحت فشارها و تنگناهای جدید قرار گرفته‌اند. نداشتن حق تأسیس مدارس دینی، آزار و شکنجه و زندانی شدن شیعیان و علمای شیعی، جلوگیری از برگزاری مراسم مذهبی، توهین به ارزش‌ها و دسترسی نداشتن به رسانه‌ها از جمله این تنگناها به شمار می‌آید. از این دوره می‌توان به‌عنوان دوره «انزوای ژئوپلیتیکی» شیعه در یمن یاد کرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران هرچند به‌واسطه نگرانی‌های رژیم حاکم فشارها افزایش یافت ولی با توجه به تأثیرهای شگرفی که انقلاب اسلامی ایران در بین مردم یمن به‌ویژه شیعیان بر جا گذاشته بود به تدریج جایگاه ژئوپلیتیکی شیعه در این کشور ارتقاء

یافت. میلیون‌ها زیدی که به وهابیت گرویده بودند مجدداً به عقاید زیدی خود بازگشتند و زیدیه جان تازه‌ای گرفت. بسیاری از شخصیت‌ها و رهبران نظر فکری و عملی تحت تأثیر افکار انقلابی حضرت امام خمینی قرار گرفتند.



منابع

- ۱) امام خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۵). **صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی (ره)**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (مؤسسه چاپ و نشر عروج).

- ۲) امیردهی، علیرضا (۱۳۸۸). یمن (۱)، «از تمدن کهن تا صناعا»، اندیشه تقریب، سال ششم، شماره ۲۱.
- ۳) تلاشان، حسن (۱۳۹۱). انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آن بر تحولات ژئوپلیتیک شیعه در یمن، **فصلنامه شیعه شناسی**.
- ۴) جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۴) ژئوپلیتیک جدید در دریای سرخ و خلیج فارس، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۵) جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۴). ژئوپلیتیک جدید در دریای سرخ و خلیج فارس، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۶) **دایره المعارف شیعه**، ویکی‌پدیا، ۱۳۹۴.
- ۷) رأفت، شفیقه (۱۳۹۰). تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر جنبش اسلامی لبنان، قم: جامعه المصطفی (حسینیه).
- ۸) سالار، محمد (۱۳۸۲). «تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی در سطوح مختلف فرامنطقه‌ای»، **اندیشه انقلاب اسلامی**، شماره ۸-۷.
- ۹) صالحی، سید عباس (۱۳۸۸). «شیعه‌مانی (۳): زیدیان یمن، عقاد و باورها»، **روزنامه خبر آنلاین** (۹ آبان ۱۳۸۸) <http://www.khabaronline.ir/news-27871.aspx>
- ۱۰) طاهری، سید مهدی (۱۳۸۷). «دمیدن صبح دولت اسلام: رویش جوانه‌های انقلاب اسلامی ایران در سایر نقاط جهان در اسلام»، **ماهنامه زمانه**، سال هفتم، شماره ۷۷.
- ۱۱) عباسی، مجید، گلچین، سعید (۱۳۹۴). «انقلاب اسلامی ایران و ژئوپلیتیک تشیع در یمن: از هویت‌یابی تا بیداری»، **فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج**، سال هجدهم، شماره ۶۹.
- ۱۲) علائی، حسین (۱۳۹۱). **بیداری اسلامی و تحولات منطقه**، تهران: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- ۱۳) العماد، عصام (۱۳۸۴). «شیعیان یمن، بررسی وضعیت فرهنگی - سیاسی»، **فصلنامه شیعه شناسی**، ش ۹.

- ۱۴) عیوضی، محمدرضا (۱۳۸۲). **انقلاب اسلامی و ریشه‌های تاریخی آن**، تهران: انتشارات پیام نور.
- ۱۵) عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۴). **درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران**، قم: معاونت پژوهش دانشگاه معارف اسلامی، دفتر نشر معارف.
- ۱۶) غفاری هاشجین، زاهد، علیزاده، قدسی (۱۳۹۱). «مؤلفه‌های اساسی بیداری اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی ره»، **دو فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی**، سال اول، شماره اول.
- ۱۷) فاضلی نیا، نفیسه (۱۳۸۵). «علل نگرانی غرب از انقلاب اسلامی- با تأکید بر عنصر ژئوپلیتیک شیعه»، **فصلنامه علوم سیاسی**، سال نهم، شماره ۳۶.
- ۱۸) فرزندی، عباسعلی (۱۳۹۵). «مبانی نظری صدور انقلاب از منظر امام خمینی (ره)»، **فصلنامه متین**، شماره ۳۶.
- ۱۹) محمدی، منوچهر (۱۳۸۷). **انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و پیامدها**، قم: دفتر نشر معارف.
- ۲۰) موسوی نژاد، سید علی (۱۳۸۸). «شیعیان زیدی و تحولات اخیر یمن»، **مجله موعود**، بهمن‌ماه، شماره ۱۰۸.
- ۲۱) موسوی، سید محمدرضا (۱۳۸۸). «زوایای پنهان در بحران یمن»، **همشهری آنلاین**، ۱۴ دی.
- ۲۲) مهدیان، علی (۱۳۹۴). «نگاهی به تاریخ حکومت امامیه در یمن و سیر تحولات سیاسی - امنیتی»، **سلام خبر**.
- ۲۳) میر احمدی، منصور، احمدوند، ولی محمد (۱۳۹۴). «هویت و مبانی فکری جنبش انصارالله یمن»، **فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام**، شماره ۳-۲.
- ۲۴) میری، مرتضی (۱۳۸۸). «زیدیان یمن، عقاید و باورها»، **نشریه پنجره مهر**، شماره ۱۵.
- 25) Johnsen Gregory "The six wars, The national national:in: <http://www...ae/apps/pbcs.dll/artiac.2009>